

تئیری در ریاضیات

اثر

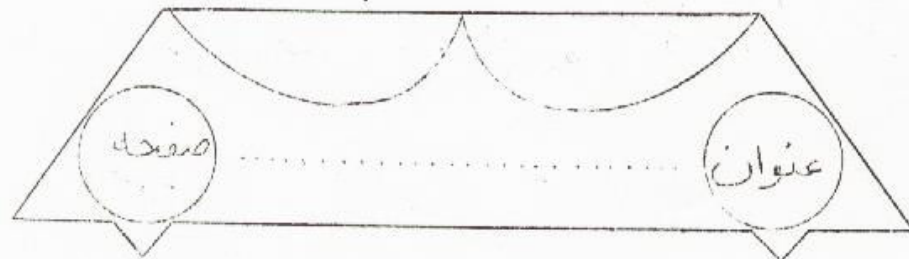
سید محمد فواد ابراهیمی

دبیر ریاضی دبیرستانهای دیواندره در کردستان

نهم آذر ۱۳۶۲

نام خدا

فهرست مندرجات



(I) توجه ۳

(II) مقدمه ۴

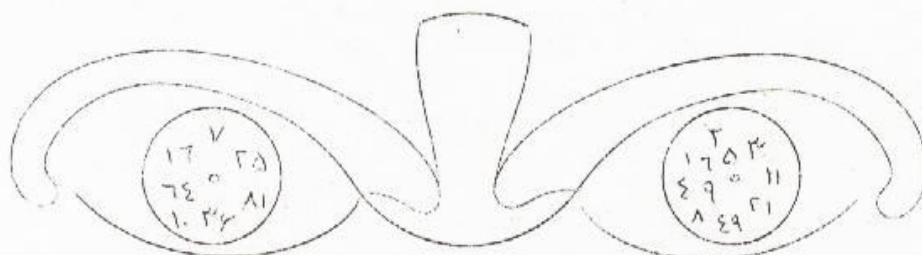
(III) فصل اول

استعداد ریاضی ۷

(IV) فصل دوم

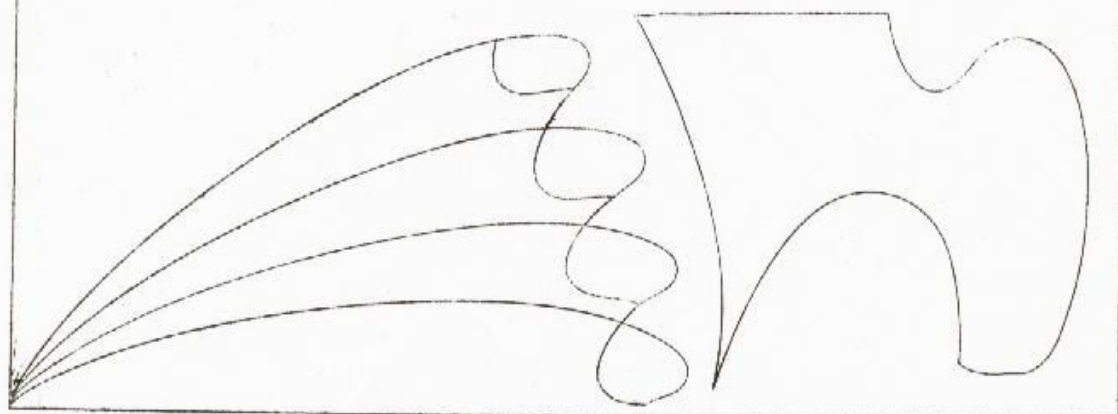
مرکز ریاضی ۱۴

(V) خلاصه ۲۵



توجه

ای شخص محترمی که صفحات این جزوه را میخوانی و ورق بزنی،
اگر وقت و حوصله حداقل پنج بار خواندن این نوشته را با دقت
تمام و تکیه بر روی کلمات برای درک مفاهیم نداری،
لطفاً بدون هیچگونه تعارف و بروز سوء تفاهمی و با
خونسردی کامل جزوه را در جای خود بگذار.
در غیر این صورت با برداشتهای نادرست و ناموزون
و انتقادهای ناروا عزت خود میبری و زحمت ما
میداری.



مقدمه :

خواننده گرامی از اینکه تصمیم قاطع به خواندن و درک عمیق محتوای نوشته ام گرفته ای بسیار متشکرم. مطالب این مجموعه چکیده فکری و تحلیلات اولیه و بیجا نباشد در مورد اعداد ریاضی در طی مراحل تحصیل بوده و پرواضح است که در اولین بار مطالعه برای هیچکسی قابل قبول نبوده و ارزش چندانی نخواهد داشت. حتم دارم هیچکس لب مطلب آنطوری که هست برای هرکسی بسادگی قابل درک و تجسم نخواهد بود. بدون غرور و ادعا و با توجه به این اصل که « هرکسی بهتر خودش را می شناسد و بهترین معرف خودش میباشد. » با قلمی رسا و بیانی مختصر موضوع را در دست آورده و امیدوارم توانسته باشم لا اقل موضوع را مطرح کنم و انتقادات و پیشنهادات مسئولان شتاب ادامه و گسترش بیشتر آن کمک شایانی نموده که انشاء الله به حقایق میرسیم. این نوشته را اولین بار (زمستان سال ۱۳۵۶) در نسخه ای بابکی از استادان مشهور روانشناسی در میان گذاشتم. ایشان در کمال مرحمت زحمات زیادی در بررسی و مطالعه آن کسیده و ضمن بحث فراوان دو نفری در مورد مذکور، پاسخی کتبی نیز از او دریافت کردم که عیناً آنرا می نویسم:

« دوست متفکرم آقای سید محمد نواد ابراهیمی ،

نظرات ابداعی شما را در زمینه طریح شیوه جدید برای محاسبه جدول اعداد و تلفیق فلسفه با ریاضی ، دقیقاً مطالعه کردم ، ضمن آنکه ابتکار شما را میستایم به شما نوید آینده ای کاملاً روشن که روشنایی بخش

جامعه نیز خواهید بود می‌دانم . طبیعی است که هر فکری نو ابتدا چندان تحیل
 داشته و از آن فرضیه ساخته شده و سپس در صورت اثبات که آنرا بر اثر
 مطالعه و کنطاش بیشتر بدست می‌آید به صورت تئوری و قانون درآمده است
 بنابراین شما نیز در زمینه ترویج و نظر خودتان بیشتر مطالعه کنید و با استادان
 متخصص ریاضی نیز در میان گذارید . بدای است جامعه ریاضی دانان
 ایران نیز که تصور میکنم محل آن در تهران باشد میتواند در این مورد به شما دید
 بدهند . بنابراین نشانی آنرا از استادان ریاضی بخواهید و با آنان نیز
 مکاتبه کنید . پیروزی شما را حواله نام امضاء

بعد از این توصیه ، نوشته ام را به دو نفر از استادان ریاضی نشان دادم . یکی از
 آنها بابتی حوصلگی و عدم احساس مسئولیت ، سخنان بی ربطی به زبان آورده
 و نوشته ام را برگرداند . من در آن حال به یاد گفتاری نغز افدام که :
 « حرفهای نو و پیچیده و مشکل اگر از طرف اشخاص شناخته شده و دانشمند
 و عالم نباشد ، یا خنده شنوندگان را برمی‌انگیزاند و یا موجب بی اعتباری گوینده
 میشود . » و باید اضافه کرد ، « و یا باعث رنجش همسودان نادان خواهد شد . »
 ولیکن دومین استاد بسیار متأثر شده و با بخشهای طولانی در اتاق کار ایشان
 مورد تشویق قرار گرفتم و با همفردهای خود و دادن کتابهایی در زمینه تئوری اعداد
 و تاریخ علوم ، وادارم ساخت به مطالعه هر چه بیشتری بپردازم تا وسعت فکری
 بزرگتری یافته و در بیان دوباره فرضیه هایم قاطعیت یابم . بارینکه متصل

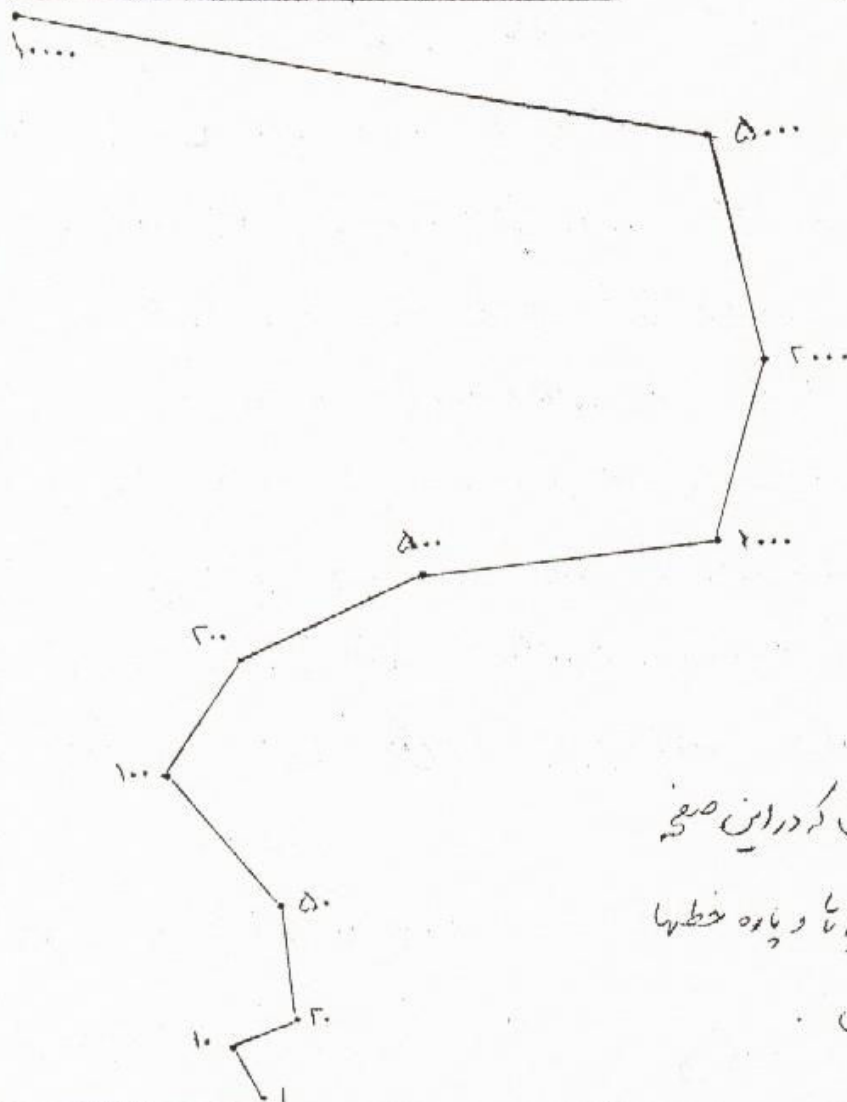
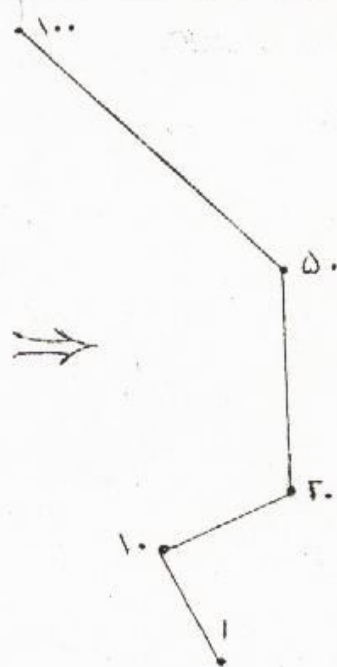
مشغول مطالعه بوده و به سطوح و فضاهای خیلی بالائی از ریاضیات رسیده ام
 باز نتوانستم آن افکار را از خود دور و یا ابطالی برای آنها عنوان نایم ، بلکه با
 یقین بیشتر و محکمتر روشن شدم که حقیقی وجود داشته و برای یاری پس اندازی آن
 نیست . آن مخفی نمودار اعداد حسابی که در کلاس سوم دبستان (زمستان
 سال ۱۳۴۲) برایم مجسم شده ، هم اکنون نیز موجود و نورافشان ،
 خود نمائی میکند . این حقیقت بزرگ مدت بلست سال است بدو هیچ
 ترزلی در ذهن من به حیاط معلومات قدم گذاشته است ، در ذهن هر فردی
 با اشکال گوناگون موجود ، ولیکن متوجه آن نشده اند .
 حال با طرح موضوع ، اقدام به تکثیرش نموده و آنرا در میدان افکار قرار داده
 تا کسانی که متفکرانه دنبال رازهای علمی هستند ولدت کشف حقایق را
 چشیده اند ، در جریان بوده و وارد فضای فکری موصوف شده و با
 جولان فکری خود در هر چه بیشتر روشن شدن فرضیه های یاری بنمایند .
 علاقه مندان و دانش پژوهان میتوانند هر گونه اظهار نظر خود را در ارسال فرموده
 دب ارشاد خود مشوق فکری اینجا ب شده که موجب ارتقاء خواهد بود .
 امیدوارم با دقت و حوصله صرف نظر از نکات دستوری و متن اشائی
 و غلط املائی فقط برای بیان مطلب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد .

با آرزوی موفقیّت - سید محمد فرّاد ابراهیمی ۶۳/۹/۹

فصل اول - استعداد ریاضی

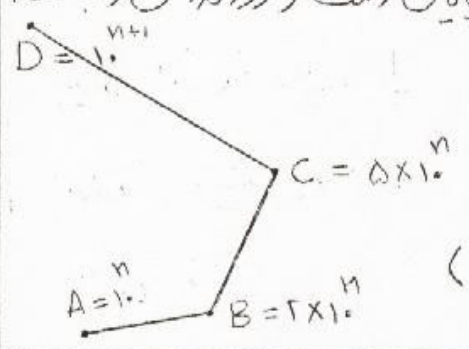
زمانیکه کلاس سوم دبستان را در سال تحصیلی (۱۳۴۳ - ۱۳۴۲) در
دوستان پیش بردم می خواندم، با لحنی غیر ملموس و مبهم و غیر منتظره رو برو شدم. نوشتن
اعداد حسابی را از یک تا ده هزار بخوبی بلد بودم ولیکن در اعمال ریاضی بر اعداد با مشکل
مواجه می شدم و نمی توانستم سریع محاسبه کرده و حاصل جمعها و تفریقها و ضربها را بدست
آورم. تا آنیکه بر من تکلیف شد که بالاچاره جدولی بنام جدول ضرب را حفظ نموده و
بخاطر بسیارم ترس شدید از کتک زدن پدر باعث شد که در از بر کردن جدول ضرب
نهایت کوشش را مبذول دارم. در این لحظات فراموش نشدنی بود که شکل
جدول ضرب در ذهنم حک شد و در عمل ضرب بحر زاری پیدا کردم. برایم روشن
نیست که چه عاملی باعث شد که شکل مربعی جدول ضرب در ذهنم بصورت یک خط
شکسته در آید. از اینجایی بود که مسیر نوری در فکرم آغاز شد.
برای هر عدد نقطه مشخصی روی آن خط شکسته در نظر داشتم و با مجسم کردن
خط شکسته دقیقاً مکان و محل هر عددی را میدانستم. در انجام اعمال اصلی بر اعداد
استاد شدم. در تعطیلات نوروزی سال ۱۳۴۳ وقتیکه مشغول نوشتن
تکلیفات فراوان و از جمله نوشتن اعداد حسابی از یک تا ده هزار بودم به شکل نمودار
(خط شکسته) چند خط دیگر اضافه شد. باید توجه داشت این نمودار در صفحه
نیست بلکه در رضا بوده و بصورت معوج میباشد بطوریکه زاویه های شکست معنی
بجز در محل اعداد ۵۰ و ۵۰۰ و ۵۰۰۰ همگی قائمه هستند.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹



باید توجه داشت که در این صحنه
اندازه زاویه تا و پایه خطها
واقعی نیست

جای تعجب اینکه هنوز هم که هنوز است این شکل منحنی به همان روشنی و در قوت
 خود را حفظ کرده و کوچکترین اراده ای در تغییر آن نداشته و دارم . در مراح هر
 پرستی با تحسین این نمودار به جواب میرسیم . این پدیده فکری راه تکامل
 نمود را میبرد تا اینکه در کلاسهای پنجم و ششم دبستان و کلاسهای دوره اول
 دبیرستان علاقه مغربی به ریاضیات داشته و در میان همکلاسیها ممتاز بودم .
 این شوق و علاقه وادارم ساخت دوره دوم دبیرستان را در رشته ریاضی طی
 کرده و بعد از اخذ دیپلم ریاضی در خرداد ۱۳۵۴ با معدل ۱۷/۶۰ وارد دانشکده
 تربیت دبیرسندج شده و تحصیلات عالی را در رشته ریاضی ادامه دهم و در زمستان
 ۱۳۵۸ لیسانس ریاضی را با معدل ۲/۴۰ دریافت کنم . به مطالب برگردیم
 در دوران دبیرستان منحنی خطی کاملتر شد و اعداد صحیح از منفر تا بینهایت
 روی منحنی جای گرفته و در ضمن برای هر عدد کسری نیز نقطه ای در نظر گرفته و بطور
 کلی اعداد حقیقی مثبت روی منحنی مذکور ظاهر شدند . من این منحنی را
 منحنی نمودار اعداد نامیدم ، البته اعداد حقیقی مثبت . بطوریکه در شکل
 مشاهده میگرد منحنی از قطعاتی متشابه ترکیب شده و چون در فضا بصورت موج
 میباشد ، زاویه های قائمه به آن صورتیکه در صفحه هستند دیده نمی شوند و باید توجه
 داشت که این یک قسمت کوچکی از منحنی بی پایان است و ادامه اش را با نقطه
 چین نشان داده ام .



قطعه های متشابه ذکر شده بصورت کلی روبرو میباشد .
 $(n \in \mathbb{N})$

خط بهریت

۵۰

۱۰۰۰

۵۰۰

۲۰۰۰

۱۰۰۰

۵۰۰

۲۰۰

۱۰۰

۵۰

۲۰

۱۰

خط صفر

۵۰

نمودار منحنی اعداد

۱۰

هر قطعه دو زاویه دارد. یکی شکست منحنی است در محل $B = 2 \times 10^n$ که قائمه است و دیگری شکست منحنی در محل $C = 5 \times 10^n$ میباشد که منفرجه است و صفاً اندازه یاره خطهای AB و BC و CD بستگی به مقدار n داشته و شماره با هم نامساویند.

ابتدای منحنی نمودار اعداد را که محل قرار گرفتن عدد صفر است، محوطه صفر و انتهای فرضی منحنی را که جایگاه بینهایت میباشد محوطه بینهایت نامگذاری کرده ام. جای تذکر است که منحنی نسبتی نداشته بلکه با طریقیه مطلب از محوطه بینهایت نام برده ام.

فرضیه ۱: میزان استعداد ریاضی هر شخص بستگی به شکل منحنی نمودار اعداد در ذهن وی دارد.

برای توضیح بیشتر میتوان گفت هر شخصی در ذهن خود منحنی نموداری برای اعداد دارد اگرچه متوجه آن نبوده و برایش چنین مسئله ای مطرح نباشد و نتواند برای دیگری توضیحاتی راجع به آن بدهد. عبارت دیگر هر فردی برای خود، اعداد از صفر تا بینهایت را روی یک منحنی پیاده کرده و شکل آنرا بطور ثابت و تغییرناپذیر در کلیه مراحل فکری راجع به اعداد، محکم میکند آنچه مهم است اینست که هر شخص منحنی بخصوصی مختص به خود دارد و شاید هیچ دو نفری یافت نشوند که درست یک منحنی را محکم نمایند.

به نظر اینجانب هر چه تعداد خطوط شکسته نمودار بیشتر و در حالت کلی،

نمودار به قطعات متشابهی الازهایه تقسیم گردد، شخص تجسم کننده آن
راستعداد ریاضی بیشتری از دیگران داشته و باین تقسیمات منظم وی آنها
مجموعه اعداد معینی را در مکانی خاص روی یک پاره خط قرار داده و
همواران آنها جای و محل هر عددی از گاه و آدرس دقیقش را میداند و اگر
در موافقتی لازم شود بسادگی هر عدد مطلوبی را پیدا نموده و روی آن
مطالعه خواهد کرد.

برای تحقیق بیشتر، بی مقدمه و بدون اینکه در مورد این نمودار صحبتی
شود از دانشی خاص زیادی سؤال کرده که شما اعداد از یک تا هر عددی مثلاً
صد هزار را به چه طور مجسم میکنی؟ جوابهای گوناگون می شنیدم. مثلاً
عده ای با شمش از انگشتان دست خود میگفتند: این یک، این دو
این سه، و... تا اینکه با مقداری توضیح رساتر و سارتر می پرسیدم،
اگر اعداد را با گردوهای شماره دار نمایش دهیم مثلاً به چه طور این گردوهای را
کنار هم می چینی و روی چه مسیری به پیش میروی؟ در این بود که عده ای
مستوجه منحنی نمودار اعداد خود شده و با تجسم آن جواب سؤال را میدادند
فرد A میگفت: گردوی شماره یک را روی زمین و گردوی شماره دو را
بالای آن و گردوی شماره سه را بالای آنها و بالاخره تمام گردوهای را تا
اگر آنها روی یک خط راست قرار میدهم.

فرد B در جواب چنین گفت: گردوی شماره یک را جلو پایم و گردوی

شماره دو را جلو آن و گردوی شماره سه را جلو آنها و به همین ترتیب کلیه
 گردوهای را روی یک خط راست تا آن طرف دنیا می چینم .
 فرد C چنین اظهار کرد که ده تا گردوی اول را در یک سطر و گردوهای
 از شماره ۱۱ تا شماره ۲۰ را نیز در یک سطر زیر سطر اول و گردوهای از
 شماره ۲۱ تا شماره ۳۰ را همچنان در یک سطر و نیز سطر مذکور قرار داده
 و به همین ترتیب تمامی گردوهای را ده تا ده تا زیر هم قرار میدهم .
 فرد D برخلاف افراد دیگر گردوهای را روی یک سیر حلزونی دایره ای
 در یک صفحه قرار داد .
 سایر افراد جوابهای شبیه و یا کاملاً متفاوت با اینها داده و بعضیها
 اصلاً مفهوم سؤال نرسیده و تن به جواب نمیدادند .
 من در مورد فرد A که هیچ علاقه ای به ریاضیات نداشت و در رشته
 ادبی تحصیل میکرد و فرد B که علاقه کمی به ریاضیات نشان میداد
 و در رشته طبیعی درس میخواند ، اینطور تحلیل میکنم که فرد A چون
 نمودار اعداد را یک خط راست و عمود بر سطح افق مجسم میکند در
 مورد اعداد ریاضی هیچ طبقه بندی و تقسیمات منطقی ندارد و جوابی
 خاص برای آنها قائل نبوده و از طرف دیگر نمیتواند نیرو از فکری بکشد
 و در امتداد خط نمودار بالا رفته و در قسمتهای دور دست خط نمودار
 عدد مطلوبی را پیدا کند ، اما فرد B گرچه از نظر طبقه بندی و تقسیمات

احوالی شبیه فرد A دارد ولی چون نمودار اعداد را یک خط راست مولاری با
افق محسم میکند، لا اقل برای یافتن عدد مطلوبی میتواند در راستای خط
بدود و بعد از مدتی البته با زحمت به نتیجه برسد.

نتیجه نهایی این تحقیقات سر درستی فرضیه ۱ به یقین کامل رسانده
است. امیدوارم از این رهگذر روشی برای تشخیص و سنجش استعداد ریاضی
ریاضی افراد اتخاذ شده و عملاً مورد استفاده قرار گیرد.

فصل دوم - مرکز ریاضی :

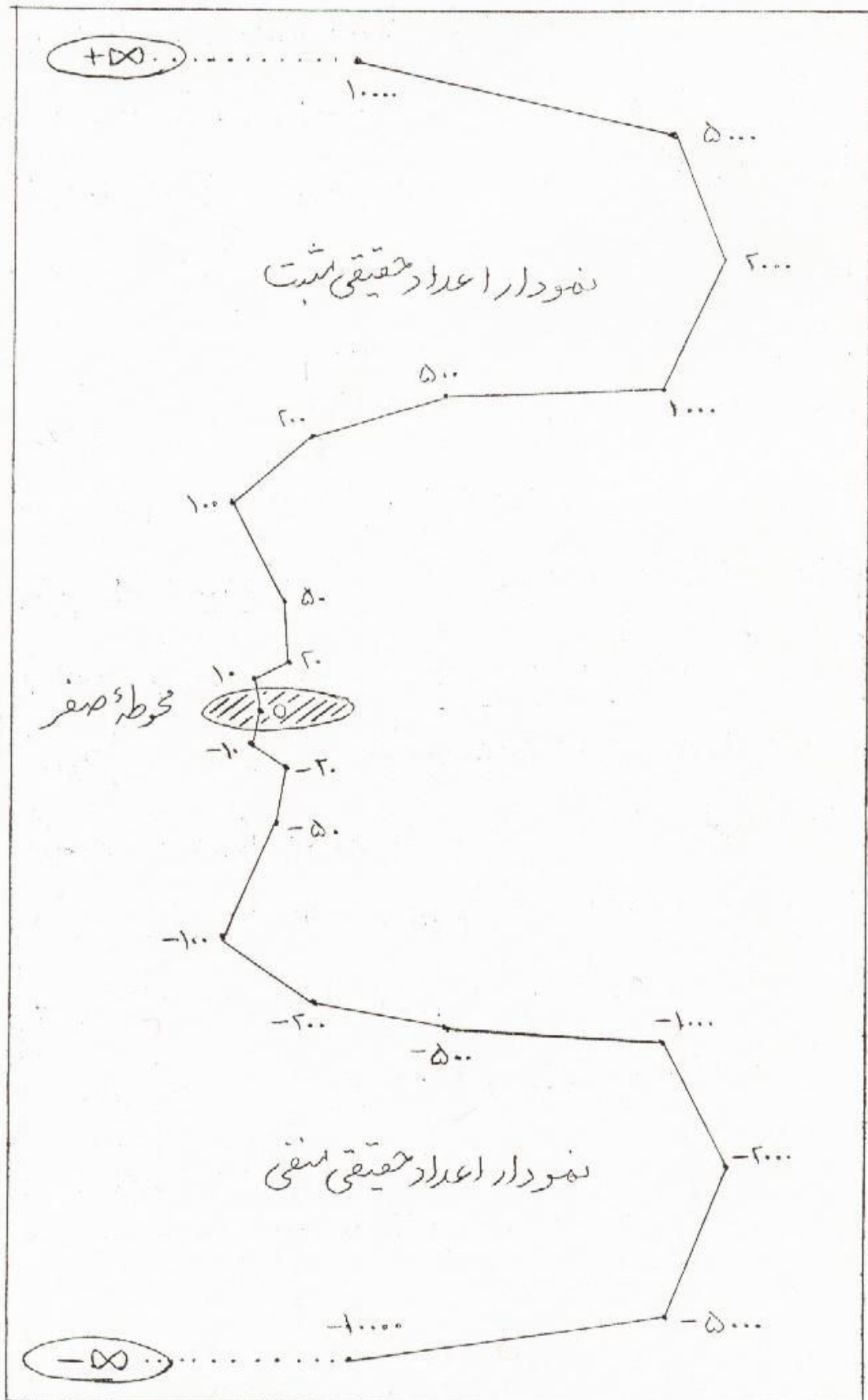
از دید من ریاضیات یعنی بازی با عدد که این بازیها بواسطه شناخت
هر چه بیشتر و کاملتر از قوانین ارتباطی بین اعداد زیاده و شکلهای متغیری
تجود میگیرد. عبارت دیگر ریاضی چیزی جز عدد نیست. حساب و جبر و
هندسه و تقسیمات آنرا با همه قضایا و اصول و مطالب بشمار حملی از
اعداد و روابط بین اعداد و تأثیر اعداد بر همه دیگر در یک عمل گفتگو مینماید
اشکال هندسی نماینده اعداد ریاضی و یا بهتر بگویم نموداری از اعداد ریاضی
میباشند. نقطه بی همه چیز دالالت بر صفر و خط دارای درازا از مقدار
عددی ریاضی حکایت میکند. مثلاً اگر از واحد طول بطور مطلق
صحبت کنیم یک خط ۱ واحدی نمودار عدد ۱ ریاضی میباشد،
سطحها و حجمهای هندسی نمودارهای اعدادی مرکب از ریاضی بوده که

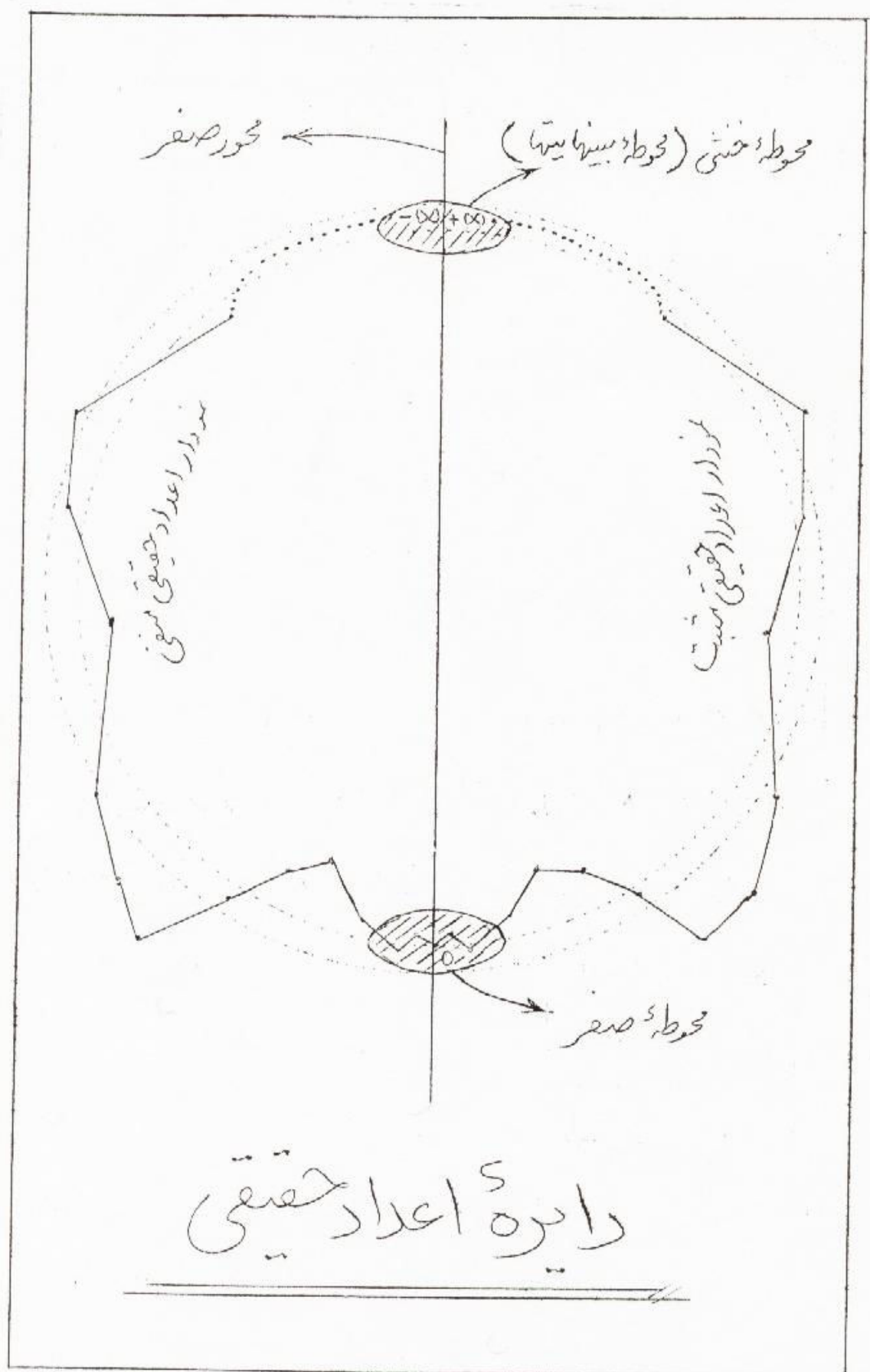
شکلی از روابط بین چند عدد و حاصل اعمالی چند بر آنها میباشد. مثلاً
 سطح مربعی به ضلع چهار واحد نمودار عددی ریاضی است که از ضرب
 عدد ۴ در عدد ۴ حاصل شده است، و حجم کره‌ای در فضا نمودار
 عددی است که حاصل روابط و اعمال چند بر اعدادی مثل
 طول شعاع کره و مقدار π و اعداد ۴ و ۳ میباشد، مثلاً اینکه:
 نتیجه هر روابط و اعمالی که بین اعداد ریاضی برقرار
 شود خود یک عدد ریاضی دیگر است.

قبلاً گفتیم که برای اعداد حقیقی مثبت معنی نموداری تجسم میکردم، در
 زمان تحصیل در دبیرستان با شناخت اعداد حقیقی منفی، برای آنها
 نیز معنی نموداری مجسم کرده که انکار تصویر معنی نمودار اعداد حقیقی
 مثبت بود در یک آینه. و این معنی در زیر محوطه صفر قرار داشت،
 یعنی معنی معنی نمودار اعداد منفی، درست همان معنی نمودار اعداد مثبت
 بود که در حول محوطه صفر چرخیده بود. پس ابتدای هر دو معنی
 بر هم منطبق و محوطه صفر میباشد. در مواقع مناسبه اگر احتیاج به
 استفاده از معنی نمودار اعداد منفی پدید می‌شد؛ آنرا حول محوطه صفر
 می‌چرخاندم تا کاملاً بر معنی نمودار اعداد مثبت منطبق شود (فراموش
 نشود که مخیرها در فضا هستند نه در صفحه). در این معنی، اعداد
 از صفر شروع و همگی با علامت منفی تا بینهایت ادامه دارند.

تجسم این دو منحنی با هم دیده ای دیگر را ظاهر ساخت و آن اینکه با توجه
به بی انتها بودن منحنیها، میتوان هر کدام را یک نیم دایره دانست که مجموعاً
دایره ای را میسازند (این دایره را با دایره در صفحه اشتباه نگیرید)
در اینجا از جمع اعداد قرینه در R سود جست. « جمع هر دو عدد مثبت منفی
با قدر مطلقهای برابر، صفر میشود، » این تصور پیش آمد که اگر $-\infty$
و $+\infty$ را که چیزی جز دو سمبل ریاضی نیستند دو عدد با قدر مطلقهای
مساوی فرض کنیم در یک نقطه روی محیط دایره مذکور جمع شده یعنی
روایم قرار گرفته و تشکیل محور ای خنثی میدهند، این محور خنثی
در انتهای قطری که از محور صفر میگذرد قرار دارد.

این قطرها محور صفر نامیده ام، بر محیط دایره فرضی نامبرده تمامی
اعداد حقیقی مستقر بوده و من آنرا دایره اعداد حقیقی نامگذاری
کرده ام. مساحت این دایره پوشیده از انبوهی عظیم از اعداد
مركب ریاضی است که حاصل رشته ارتباطات و اعمال گوناگون بین اعداد
حقیقی میباشد. ارتباط بین اعداد مثبت با اعداد مثبت و ارتباط بین
اعداد مثبت با اعداد منفی و ارتباط بین اعداد منفی با اعداد منفی.
بنابر این سطح دایره لای بزرده و طیفی از اعداد ریاضی را نشان
میدهد.





در اینجا یک تذکر لازم است اینکه اعداد ریاضی داخل سطح دایره اعداد حقیقی شناخته شده نیستند ، بلکه اعدادی دیگر از ریاضی اند .

نماینده با اعداد موهومی آشنا شدم یک مخفی نمودار نیز برای آن ، که ابتدا ایش محوطه صفر بود تبیین کرده و با شکلی شبیه مخفی نمودار اعداد حقیقی مثبت تبیین کرده مانند ، به محوطه بی نهایت ختم می شد . صفحه گذرا از این مخفی که شامل محور صفر نیز می باشد بر صفحه دایره اعداد حقیقی عمود است .

اگر کمی دقت کنیم مخفی نمودار اعداد حقیقی منفی همان مخفی نمودار اعداد حقیقی مثبت است که حول محور صفر به اندازه ۱۸۰ درجه چرخیده است . یعنی اعداد مثبت در جایی مقابل جای اول خود قرار گرفته و ضدیت نشان می دهند این ضدیت و مخالفت را با علامت منفی نمایش می دهیم . بنا بر این میتوان مخفی نمودار اعداد موهومی را نیز حول محور صفر به اندازه ۱۸۰ درجه چرخاند تا در مقابل جای اول خود قرار گیرد و ضدیت و مخالفت آنرا با علامت مخالف نشان می دهیم . از این دوران دایره ای حاصل میشود که محیط آن جایگاه کلیه اعداد موهومی میباشد و آنرا دایره اعداد موهومی نام نهاده ام دایره اعداد حقیقی و دایره اعداد موهومی در محور صفر مشترک در ضمن بر هم عمود سطح دایره اعداد موهومی را رشته ارتباطات و اعمال بین اعداد موهومی پوشانیده و در واقع طیفی دیگر از اعداد ریاضی حاصل میشود .

اعداد ناشناخته سطوح این دو دایره نیز با هم روابطی برقرار کرده و تشکیل
اعدادی دیگر میدهد که ناشناخته ترند ، بعبارت دیگر از چرخش دایره مذکور
حول محور صفر کره ای حاصل میگردد .

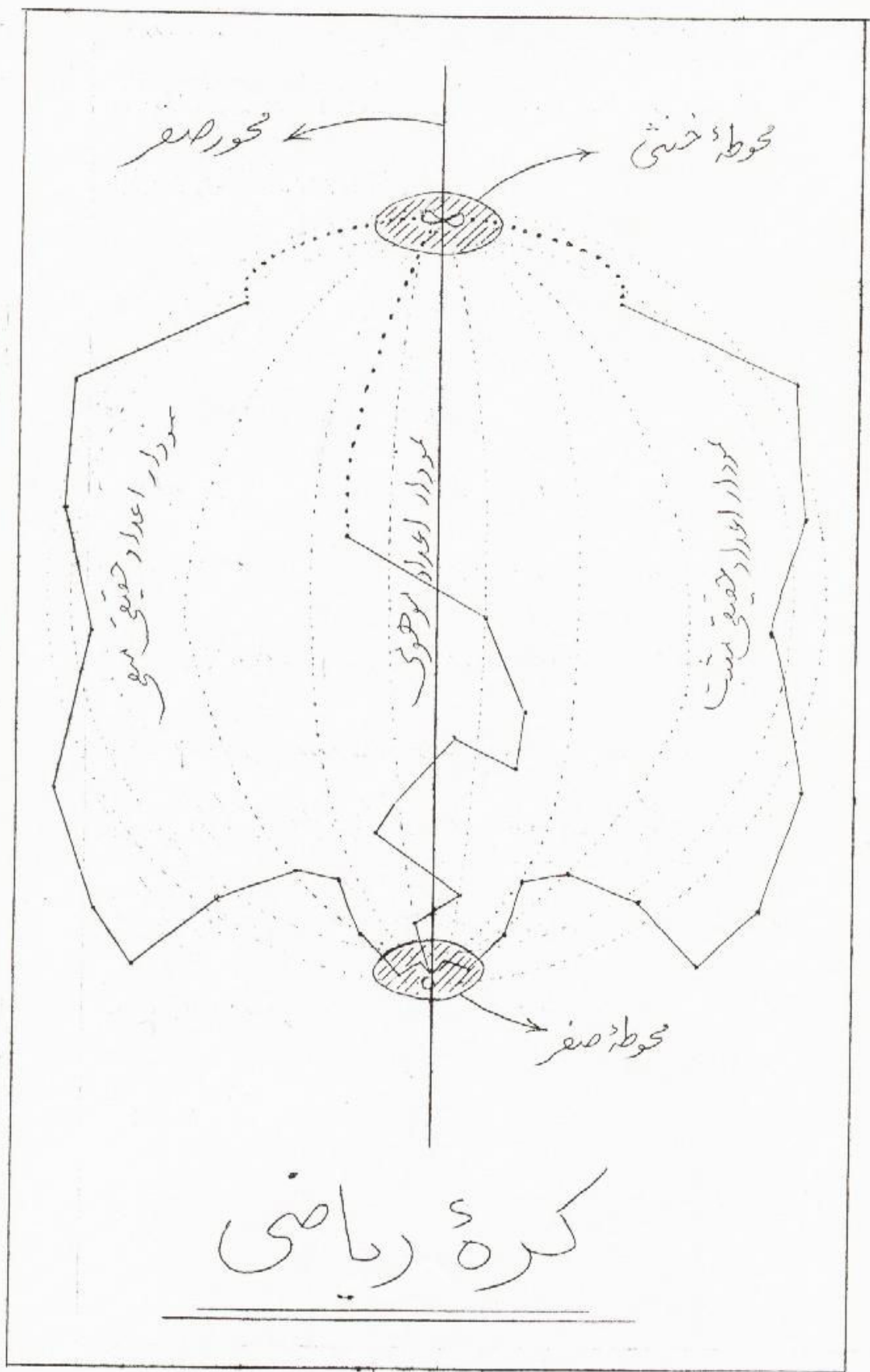
فضای اشغال شده بواسطه این کره را نقطه به نقطه اعداد ریاضی پر کرده اند .
من این کره را کره ریاضی نامگذاری کرده ام ، در هر نقطه از سطح و
فضای داخل این کره یک عدد ریاضی وجود دارد که بین همگی آنها رشته های
ارتباطی موجود است . برای تجسم روشنتر این کره ریاضی و مفهوم عملا
اعداد ریاضی میتوان کره ای فلزی را در مقابل یک منبع نوری قرار
داد ، در این حالت فقط بنیمی از کره روشن و نیمکره دیگر تاریک و
بانیمکره روشن ضدیت و مخالفت نشان میدهد .

اکنون اگر کره ریاضی را که کره ای بسیر نهایت بزرگ است تمام جهان
فرض کنیم و حتی کره خاکی جایگاه خودمان را به آن تبدیل نمایم ، فرضیه
دیگر عنان میشود که بسیار بسیار بر اهمیت است .

فرضیه ۲ : کره زمین و هر چه متعلق به آن

است چیزی جز نمودار اعداد ریاضی

نیستند



بشر تا کنون توانسته است در علم ریاضی آنقدر پیش برود که فقط به اعداد حقیقی و بعضی اعداد موهومی و قسمتی از اعداد مختلط پی برسد و در ضمن به بعضی از روابط و قراین بین آنها برسد و هر چه بیشتر از اعداد ریاضی را بشناسد، عظمت بزرگتری را دریافته و در مقابل اعداد بیکران ریاضی متحیر نیگردد. اگر شعاع دایره ای را معلومات و دانسته های بشر از علم ریاضی بگیریم و مساحت آن دایره منهای آن خط شعاع، مجهولاتی باشد که بشر بوجود آنها پی برده است، هر چه شعاع دایره بزرگتر (درازتر) شود مساحت دایره به مراتب خیلی خیلی بزرگتر (وسیعتر) خواهد شد. یعنی هر اندازه که به دانسته های بشری افزوده شود مجهولاتی که حتی از وجود آنها آگاهی نداشت ظاهر و خود نمائی میکند و به حیطة مجهولاتی در میآیند که برای بشر موجودند. آیا موقع آن نرسیده که بگوئیم بشر هرگز نخواهد توانست تمامی اعداد ریاضی را کشف کند؟

میدانیم که علم ریاضی توجیه گر اجسام سه بعدی است، عبارت دیگر اجسام خود نمودار اعداد ریاضی هستند. اما تا مادامیکه تمام اعداد ریاضی شناخته نشوند کلیه موجودات عالم کشف نخواهند شد. تا بحال بشر به اعماق دریای و فراخنای تاریک کهکشانها و دنیای

محتوای آن پی برده است. هنوز و هنوز چیزی را بی راکشف کرده
که نموداری از اعداد حقیقی و نمودار قسمتی از اعداد موهومی میباشد،
خیلی چیزها هست که هنوز پنهان و پوشیده اند. آیا میتوان گفت مادر
نسبت به فرزند را به وسیله نمودار نشان داد و با عدد بیان نمود که با
حراس خارجی درک شوند؟

آیا عشق ما بین دو معشوق واقعی بوسیده نمودار نمایان میشود؟
البته هرچیز میتوان در ذهن خود که جنبه خارجی ندارد و خود را به ایهامات
است، تا اندازه ای بسیار کم و مفهومی فوق الذکر را درک کرد و در
خواستی آنها بحث نمود. اما پی بردن به ماهیت اصلی و توجیه
آنها هرگز آسان نبوده است.

بشر تا کنون موفق شده قسمت ناچیزی از مبرهات را بملک و سایی
دیگر غیر از ذهن نمودار و ظاهر گرداند. و سائلی که خود نموداری
از اعداد ریاضی هستند. مثلاً نوشته، نقاشی، عکس،
نمایش (تئاتر) و فیلم که نمودار بعضی از مبرهات میباشد.
فیلم ناطق متکاملترین وسیله ایست برای نمودار موهوماتی که
قابل درک با حواس خارجی نیستند. به آسانی میتوان گفت

که با کشف این وسائل بشر از دنیای مابعدی که نمودار اعداد حقیقی هستند پایه دنیای حین بعدی گذاشته و میرود تا در این فراخای بی سروته روزنه ای برای اوقاع اسیال خود پیدا کند .

بارها شنیده شده است که علوم ریاضی مادر تمامی علوم دیگر است . این گفته مصداق بارز این واقعیت است که هر علمی چیزی جز علم ریاضی نیست (اما بنحو و شکل دیگری نمایان شده است . بعبارت دیگر سایر علوم نیز هر کدام جنبه ای از این نمودارهای اعداد ریاضی را مورد بررسی قرار میدهند . پس تمامی موجودات عالم هستی از زمین مسکونی گرفته تا ستاره های بشمار و اجزای زیر تشکیل دهندشان همه و همه نمودار اعداد ریاضی بوده و میتوان گفت جهان عینی و هر چه تصور میشود و هر آنچه که موهوم است و پنهان ، چیزیهای جز نمودار اعداد ریاضی نیستند . خلاصه اعداد و اشیا و تصورات همه تحرکات و ارتعاشات یزدگاه و مرکزی میباشد که کلیه ریاضی (سم باستانی آن مرکز یزدگاه است .

علوم همگانی همواره تحرکات و ارتعاشات مرکز ریاضی را ظاهر و به بشری همانند که تو خود نیز نموداری از اعداد ریاضی ایستایی پس مغرور نباش .

خاتمه :

به امید حداقل بطریق کردن موضوع یادآوری میکنم که فصل اول
زمینه نیست برای فصل دوم و در واقع دنباله هم بوده و در هر فصل یک
فرضیه بیان شده که قابل بسط و گسترش زیادی می باشد
خواننده محترم مسلم است که یکبار خواندن این نوشته مختصر و کلی
چیزی بدست نمیدهد و در واقع بسیار نامأنوس و ناآشناست، بنابراین
هرگونه قضاوت و نظریه ای و عجولانه بجزیر نیست . اما با تکرار مطالعه و تکیه
روی تک تک کلمات و تفکر زیاد محتوا قابل درک شده و باروشن شدن
اصل موضوع بهتر است در تشخیص اندیش درستی آن عجله بخرج ندهیم .
صرف وقت برای اندیشیدن در این زمینه لازم و برداشتن پرومان است
که با سعی و تلاش خود به شناساندن هر چه بیشتر این پدیده فکری پرداخته
و از رهنمودها و راهنمایهایشان مراجع و محروم نمایند ، کاملاً روشن است
که اگر نسبت به آن بی تفاوت و یا بدین باشیم از حرکت اندیشه ممانعت
کرده ایم . رسیدن به مراحل ناشناخته علوم جز با کنکاش زیاد و
تحلل زحمات فراوان و خوشبینی بسیار هرگز امکان پذیر نیست .

نهم آذرماه سال یک هزار و سیصد و شصت و دو - سید محمد فرهاد ابراهیمی

